

گزارش خبری

افزایش ۲ برابری تأخیر پرداخت دیون تأمین اجتماعی به بیمه‌گر تکمیلی

ایلنا؛ خدمات درمانی سازمان تأمین اجتماعی، یکی از مهم‌ترین مطالبات بیمه‌شدگان و به‌ویژه بازنشستگان این سازمان است. از آنجا که در سنین بازنشستگی بیشترین هزینه‌های درمان افراد در طول زندگی خود پرداخت می‌شود، یکی از مهم‌ترین مطالبات بازنشستگان تأمین اجتماعی (با توجه به حقوق اندک بازنشستگان این صندوق) پوشش درمانی رایگان از طریق منابع این سازمان است. اما با توجه به افزایش هزینه‌های برخی درمان‌های خاص در کشور، پوشش بیمه تکمیلی به‌مرور بر این صندوق تحمیل شد. ولی در چند سال اخیر سازمان تأمین اجتماعی در زمینه پرداخت مبالغ بیمه تکمیلی بازنشستگان نیز کوتاهی کرده است. هم‌راه امسال بود که مدیرعامل شرکت آتیه‌سازان حافظ (بیمه‌گر تکمیلی طرف قرارداد سازمان تأمین اجتماعی) از بدهی هزارو ۷۰۰ میلیارد تومانی صندوق بازنشستگی شش‌روزگی و بدهی چهارهزارو ۷۰۰ میلیارد تومانی سازمان تأمین اجتماعی به شرکت خیر داده بود. با وجود این، برخی محافل از افزایش بیش میزان بدهی سازمان تأمین اجتماعی به بیش از پنج‌هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان در چهار ماه اخیر خبر می‌دهند. همین موضوع باعث شده زرمزه‌هایی از قطع‌شدن دوباره خدمات بیمه تکمیلی در صورت انباشت این بدهی به گوش برسد. کارشناسان می‌گویند در زمان مدیریت میرهاشم موسوی در پست مدیرعاملی سازمان تأمین اجتماعی، فاصله پرداخت با تأخیر هزینه بیمه تکمیلی از جیب بازنشستگان به آتیه‌سازان حافظ به سه ماه رسیده بود. البته همین فاصله در ادامه باعث شد سال گذشته در آبان‌ماه با قطعی مقطعی خدمات دریافت اسناد درمان بازنشستگان از طرف این شرکت مواجه شویم؛ اتفاقی که آبان‌ماه امسال نیز به مدت یک هفته رخ داد. در مقابل، سازمان تأمین اجتماعی عمدتاً بار مسئولیت را روی دوش دولت می‌گذارد. با اینکه مبالغ بیمه تکمیلی بازنشستگان از خود آنان دریافت شده و سهم سازمان تأمین اجتماعی در آن محدود است، اما همین مبالغ نیز بسیار دیرتر از حد ممکن به بیمه‌گر پرداخت می‌شود. ولی سازمان تأمین اجتماعی در پاسخ به انتقاد به رفتار مالی صندوق این سازمان، مدعی است «حقوق و مستمری بازنشستگان» در اولویت است و این سازمان در پرداخت مستمری و حقوق بازنشستگان و مبالغ ازکارافتادگی و بیمه یابی کارنی نیز ناتوان است. این درحالی است که بخش درخور توجهی از هزینه‌های درمانی بازنشستگان به بخش تکمیلی اختصاص دارد که شامل بستری، بسیاری از خدمات دهان و دندان، بیماری‌های حاد مثل سرطان، تست ورزش، نوار عضله، نوار مغز، تست تنفسی، نوار قلب، رادیوتراپی و سنگ‌شکنی و… همه تحت پوشش بیمه تکمیلی قرار دارند و خود برای بازنشستگان یک اولویت محسوب می‌شوند. با وجود این، تأمین اجتماعی به دلیل بدهی ۹۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به این سازمان، بیمه تکمیلی و مبالغ آن را از اولین هزینه‌هایی قلنداد کرده که باید در آن صرفه‌جویی کرد. هرچند همان بدهی نیز طبق تعهد دولت باید به میزان ۱۳ هزار میلیارد تومان در سال جاری تصفیه شود که فعلاً فقط ۳۰ هزار میلیارد تومان آن در سال جاری و آن‌هم در آخرین ماه‌های دولت قبل (کابینه دولت سیزدهم) پرداخت شده است. علی‌اکبر عیوضی، دبیر کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران، درباره مشکلات ناشی از تأخیرات در خور توجه سازمان تأمین اجتماعی در پرداخت دیون خود به بیمه‌گر تکمیلی بازنشستگان تأمین اجتماعی، اظهار کرد: در همین مدت کوتاه میزان بدهی سازمان تأمین اجتماعی به بیمه آتیه‌سازان حافظ برای خدمات بیمه تکمیلی بازنشستگان به بیش از پنج هزار میلیارد تومان رسیده است. بحث بیمه تکمیلی بازنشستگان در زمان آقای میرهاشم موسوی با مشکل مواجه شد و تاخیراتی در پرداخت‌ها شروع شد، اما با وجود گذشت چندین ماه از تغییرات مدیریت این سازمان، مشکل حل نشد. او افزود: تأخیرات سه‌ماهه دول قبلی بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی همواره مورد اعتراض بازنشستگان بود و کانون‌ها نیز با بازنشستگان در این موضوع هم‌روا بودند. از طرفی ما بازنشستگان می‌دانیم که شرکت بیمه‌گر نیز تا زمانی که از سازمان تأمین اجتماعی مبلغی نگیرد، نمی‌تواند خدمات بیمه تکمیلی ارائه کند. در این میان فقط بازنشستگان ضرر می‌کردند و با وجود پرداخت پول، با تأخیر و مشکلات زیاد خدمات دریافت می‌کردند. ما با وجود ارادتی که به مدیرعامل جدید (آقای سالاری) و سوابق خوب ایشان در گذشته داشتیم، انتظار داشتیم با حضور اینها مشکل مربوطه حل شود، اما شرایط بدتر شد. عیوضی ادامه داد: سؤال ما این است که اگر قرار است یک مدیر و کارشناس در رأس سازمان تأمین اجتماعی نه‌تنها تأخیر در پرداخت‌ها را کاهش ندهد و حتی افزایش دهد، دیگر چه تفاوتی میان این مدیرعامل و مدیرعامل قبلی وجود داشت؟ حتی فراتر از این، اساساً آیا لازم است یک مدیرعامل با دانش فراوان و تجربه برای مدیریت سازمان تأمین اجتماعی انتخاب شود و همچنان وضعیت پرداخت‌های سازمان تأمین اجتماعی بدتر شود؟ دبیر کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران اضافه کرد: اکنون میزان تأخیر در پرداخت‌های سازمان تأمین اجتماعی به شرکت بیمه‌گر تکمیلی (آتیه‌سازان حافظ) به نزدیک شش ماه رسیده است که دو برابر زمان آقای موسوی است. قراردادی که کانون عالی بازنشستگان با آتیه‌سازان حافظ تنظیم کرده و سازمان تأمین اجتماعی نیز در آن واسطه‌گرنی کرده است، به این دلیل انجام شده که سازمان تأمین اجتماعی که در اجرای قانون الزام و تأمین کامل هزینه‌های درمان بازنشستگان ناتوان است؛ یعنی خود رجوع به بیمه تکمیلی به معنای عدول از وظایف قانونی این سازمان است، اما وقتی همین جایگزین خارج از قانون تأمین اجتماعی نیز درست عمل نکند، دیگر تکلیف روشن است. به‌ویژه آنکه بازنشستگان با توجه به بالابودن بسیار زیاد هزینه‌های درمان، بالاچار تن به بیمه تکمیلی دادند. این فعال حقوق بازنشستگان تصریح کرد: اگر قرار بر این باشد که بازنشستگان پولی باید بیمه تکمیلی به تأمین اجتماعی بدهند و باز هم خدمات درمان تکمیلی دریافت نکنند، چه چاره‌ای به‌جز اعتراض برای شدن باقی می‌ماند؟ ما حتی هنوز مبلغ بیمه تکمیلی شهروبر امسال را پرداخت نکرده‌ایم. این درحالی است که سازمان می‌توانست از سهم ۰ درصد خود صرف‌نظر کند و طبق وظیفه خود نسبت به بیت‌انمال، آن سهمی را که خود بازنشستگان به عنوان ۵ درصد پرداخت کرده‌اند، نگه دارد و نیمی از تأخیرهای پرداخت ماه‌های اخیر را پرداخت کند. درباره بیمه عمر ما نیز همه صد درصد مبلغ از جیب بازنشستگان است ولی درباره آن هم، به همین میزان تأخیر در پرداخت داریم.

جزئیات نشست طرح بررسی انتقال پایتخت در خانه‌اندیشمندان

قرار در سرزمین بی‌قراری

موضوع «انتقال پایتخت» در نشستی با حضور احمد مسجدجامعی، محیط طباطبایی و محمدتقی رهنمایی، همراه با پخش زنده از سخنان محمد بهشتی به دلیل سفر او، مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

محمد بهشتی، کارشناس حوزه میراث و شهرسازی، با اشاره به اینکه در سال‌های پس از انقلاب، هرگاه با مشکلات بزرگی نظیر زلزله، فرونشست زمین یا کمبود آب مواجه شد‌ایم، بحث جابه‌جایی پایتخت مطرح شده است، گفت: «دلیل این موضوع این است که ما به دنبال فرار از تهران به جایی هستیم که این مشکلات را نداشته باشد. اما امروز با مقایسه سه اطلس مهم شامل اطلس نقاط زلزله‌خیز، اطلس نقاط سیل‌خیز و اطلس پراکندگی جمعیت، می‌بینیم که این سه کاملاً منطبق بر یکدیگر هستند؛ یعنی هرجا سیل‌خیزتر و زلزله‌خیزتر است، جمعیت بیشتری در آن سکونت دارد. این نشان می‌دهد که تمایل جمعیت ما بیشتر به نقاط بی‌قرای سرزمین‌مان است.»

او افزود: «ایران سرزمین بی‌قراری است و هنر زیستن در ایران، تبدیل این بی‌قراری به نیرویی برای حل مشکلات این سرزمین است.»

بهشتی با اشاره به طرح‌های مربوط به انتقال پایتخت به مناطق دیگر گفت: «اگرچه گفته شد قصد انتقال پایتخت به سواحل مکران وجود ندارد، اما باید توجه داشت که سواحل مکران، خلیج فارس و دریای عمان از زلزله‌خیزترین مناطق کشور هستند. کافی است اخبار زلزله در بندرعباس، بندر لنگه و جاپه‌هار را مرور کنید. این مناطق دقیقاً بر گسل‌هایی قرار دارند که به دلیل حرکت صفحه عربستان زیر قاره ایران، بسیار فعال هستند. بنابراین راه گریزی از بی‌قراری تهران و دشت تهران وجود ندارد. آنچه ما از آن فراموش می‌کنیم، مسئله‌ای دیگر است.»

او ادامه داد: «موضوع پایتخت‌نشینی در ایران، به‌ویژه پس از اسلام، سرگذشت خاصی داشته است. در دوران بعد از اسلام، از زمانی که کشور یکپارچه شد، پایتخت بارها تغییر کرد؛ از تبریز، اصفهان، قزوین، ری، مشهد و در نهایت تهران. تا قبل از انتخاب تهران به عنوان پایتخت، تمام سلسله‌های حکومتی چندین بار پایتخت خود را تغییر دادند. این تغییرات اغلب براساس کردیورهای اصلی ارتباطی ایران صورت می‌گرفت. شهرهایی مانند تبریز، اصفهان، مشهد، قزوین و تهران به دلیل موقعیتشان در تقاطع راه‌های اصلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند. نظام ارتباطی ایران به‌گونه‌ای بوده که اهمیت شهرها در محل تقاطع راه‌ها وابسته بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که انتخاب پایتخت همواره تابع نظام ارتباطی و راهبردی کشور بوده است.»

بهشتی با تأکید بر اینکه مشکلات تهران بیشتر ناشی از مدیریت نادرست بوده تا ویژگی‌های ذاتی این سرزمین، افزود: «تهران از زمان شاه طهماسب به عنوان یک شهر در دشت تهران توسعه یافت. در آن زمان، این دشت شامل ۳۰۰ روستا بود و تهران به عنوان یک روستا، تجهیز و گسترش یافت. گذشگان ما بدون داشتن امکانات مدرن مثل سازمان زمین‌شناسی یا هواشناسی، تهران را به عنوان یکی از امن‌ترین مناطق از لحاظ زیست‌محیطی انتخاب کردند. دوربودن تهران از گسل‌های اصلی و سیلاب‌های بزرگ، نشانه‌ای از شناخت عمیق گذشنگان از این سرزمین است. درواقع سابقه هشت هزار سال زیست در تهران، نوعی اهلیت و معرفت نسبت به این منطقه ایجاد کرده بود.»

او در ادامه بیان کرد: «مشکل امروز تهران بیشتر ناشی از تصمیمات اشتباه ماست. ساخت‌وساز در مناطقی که در مجاورت گسل‌ها قرار دارند و تشویق به توسعه در این مناطق، پیامدهای منفی زیادی به همراه داشته است. در گذشته، مردم با وجود مواجهه با مشکلات طبیعی مثل زلزله در تبریز، توانایی حل این مشکلات را داشتند. اما امروز، به خصوص در ۷۰ سال اخیر، به دلیل سیاست‌های نادرست، مشکلات به‌درستی مدیریت نشده‌اند.»

او به تاریخ زلزله در تهران نیز اشاره کرد و گفت: «طبق مطالعات، هر ۱۵۰ سال یک زلزله بزرگ در تهران رخ می‌دهد. آخرین زلزله در دوران مظفرالدین‌شاه اتفاق افتاد، اما خسارت جدی به شهر وارد نشد. آسیب‌ها بیشتر مربوط به شمیرانات و روستاهای اطراف بود. امروز اگر به‌جای تغییرات بی‌هدف، اهلیت و شناختمان نسبت به سرزمین را احیا کنیم، می‌توانیم هم خسارت کمتری به این سرزمین

بزنیم و هم از مزایای آن بهره بیشتری ببریم». در پایان، سخنان بهشتی به نگرش و سیاست‌های مدیریتی اشاره کرد که به‌جای سرزنش اقلیم یا مختصات جغرافیایی، باید به اصلاح رفتارهای مدیریتی و توسعه‌ای توجه کند. در ادامه محمدتقی رهنمایی، استاد دانشگاه و از کارشناسان بررسی طرح انتقال پایتخت در دهه ۷۰، به ارائه تجربیات خود پرداخت و گفت: «در آن زمان، وزارت مسکن و شهرسازی با چهار سؤال کلیدی برای امکان‌سنجی انتقال پایتخت مواجه بود: نخست مناسب‌ترین مکان برای پایتخت جدید کجاست؟ انتقال پایتخت چه میزان از بار جمعیتی تهران را کاهش می‌دهد؟ هزینه اولیه این انتقال چقدر خواهد بود؟ و مدت‌زمان لازم برای انجام این انتقال چه میزان است؟».

او افزود: «این سؤالات نیازمند دانشی فراتر از جغرافیا بود و باید مؤلفه‌های مختلفی از جمله تجربه کشورهای دیگر، شرایط اقلیمی و زلزله‌خیزی ایران و مسائل دسترسی بررسی می‌شد. من به همراه سه همکار دیگر مسئول این مطالعات بودیم، اما امروز به دلیل مهاجرت، بیماری و… تنها من از آن گروه باقی مانده‌ام.»

رهنمایی ادامه داد: «مطالعات ما به تأیید هیئت دولت، کمیته زیربنایی و حتی شورای امنیت ملی رسید. مکان‌های پیشنهادی نیز از نظر پدافند غیرعامل توسط فرماندهان نظامی بررسی شدند و هیچ ایرادی بر آنها وارد نشد. این نشان‌دهنده آن بود که مکان‌های انتخابی، با روش‌های علمی و دقیق تعیین شده بودند.»

او با اشاره به تجربه تاریخی ایران در انتقال پایتخت گفت: «در طول تاریخ، ایران حدود ۳۰ تا ۳۱ بار انتقال پایتخت را تجربه کرده است. این انتقال‌ها اغلب به دلیل بی‌ثباتی سیاسی و شورش‌های عشایری و ایلاتی انجام می‌شد. غیر از حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی که منشا شهری داشتند، بیشتر حکومت‌های پیشین ایلیاتی و عشایری بودند. حتی ناصرالدین‌شاه، پس از ۴۸ سال حکومت در تهران، پایتخت خود را به خانه‌ای راحت که شبیه جادر بود تحت تأثیر قرار داد؛ زیرا جادرنشینی هنوز در ذهن بسیاری از بزرگان، شیوه مطلوب اسکان بود.»

رهنمایی همچنین به طرح‌های پیش از انقلاب اشاره کرد و گفت: «در سال‌های پیش از انقلاب، مطالعه‌ای توسط مهندسان مشاور فرمانفرما انجام شد. نتیجه این مطالعه ۲۰-۸۰صفحه‌ای این بود که انتقال پایتخت امکان‌پذیر نیست و این موضوع مخومه شد. اما پس از انقلاب، شرایط سیاسی متفاوت و پیچیده‌ای شکل گرفت. حکومت در عین تهاجم به رقباً، از درون و بیرون تحت فشار بود.»

او به یک جلسه در شورای امنیت ملی اشاره کرد و گفت: «در این جلسه که به ریاست آقای روحانی برگزار شد، گفتیم اگر یک دیگری ساده در جلوی دانشگاه تهران رخ دهد و چند نفر مجروح یا کشته شوند، حکومت به دلیل حساسیت‌های سیاسی ممکن است نتواند بحران را کنترل کند. این نشان می‌دهد که هرگونه ناهنجاری رفتاری موضعی در تهران می‌تواند به یک بحران سیاسی تبدیل شود.»

محمدتقی رهنمایی در ادامه تأکید کرد بررسی این مسائل نیازمند درکی عمیق از تاریخ، جغرافیا و سیاست است و هر تصمیمی باید براساس مطالعات دقیق و همه‌جانبه صورت گیرد.

رهنمایی، استاد دانشگاه و از کارشناسان جغرافیای شهری، در سخنرانی خود به تحلیل مسئله انتقال پایتخت پرداخت و تأکید کرد این بحث نه برای اولیس بار مطرح شده و نه احتمالاً خیزد بار خواهد بود. او با انتقاد از برخی دیدگاه‌های مطرح‌شده در این زمینه، به تجربیات خود و پیشینه تاریخی این موضوع اشاره کرد.

رهنمایی با یادآوری تغییرات پایتخت در دوره صفویه گفت: «انتقال پایتخت از اردبیل به تبریز، سپس به قزوین و نهایتاً به اصفهان، نمونه‌هایی موفق از این اقدام بودند. اما باید پرسید چرا صفویان این جابه‌جایی‌ها را انجام دادند؟ پاسخ این است که تهدیدات خارجی و داخلی و همچنین ضرورت نزدیکی به مرکز جمعیتی و جغرافیایی کشور از عوامل اصلی بودند.»

او با تأکید بر اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی پایتخت، افزود: «در طول تاریخ، ایران همواره در معرض تهدیدات خارجی از چهار سوی کشور بوده است. پایتخت، هدف اصلی تهاجمات نظامی است و تصرف آن به معنای فلج‌شدن ارگان‌های حکومتی است. بنابراین، انتخاب محل پایتخت، مسئله‌ای بسیار حساس و پیچیده است که صرفاً با یک جلسه دولت و تصمیم فوری قابل حل نیست.»

رهنمایی هشدار داد: «اگر پایتخت به شهرهایی مانند شیراز، اصفهان یا سمنان منتقل شود، مشکلات فعلی تهران به این مناطق انتقال خواهد یافت و باعث آسیب به زیرساخت‌ها و زندگی مردم در این مناطق می‌شود. چنین تصمیمی بدون در نظر گرفتن پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی، تنها مشکلات را جابه‌جا می‌کند.»

او درباره مطالعات گذشته گفت: «در دهه ۷۰، ۱۹ معیار برای انتخاب پایتخت تعیین کردیم. این معیارها شامل زلزله‌خیزی، پایداری زیست‌محیطی، دسترسی، اقلیم و… بودند. با مشارکت بهترین کارشناسان کشور، نقشه‌های زلزله‌خیزی مناطق مختلف



عکس عاطفه حصارکی زاده خانه اندیشمندان علوم انسانی

تهیه شد. تصمیم‌گیری در این خصوص نیازمند تحلیل دقیق و جامع است، نه دیدگاه‌های سطحی و شتاب‌زده». محمدتقی رهنمایی تأکید کرد انتقال پایتخت مسئله‌ای پیچیده و چندوجهی است که نیازمند بررسی علمی و مشارکت متخصصان است. او هشدار داد تصمیم‌گیری‌های غیرکارشناسی، نه‌تنها مشکلات تهران را حل نمی‌کند، بلکه به ایجاد بحران‌های جدید در سایر مناطق کشور منجر خواهد شد. احمد مسجدجامعی، عضو سابق شورای شهر تهران، هم در سخنانی با اشاره به مشکلات کنونی کشور، از طرح انتقال پایتخت انتقاد کرد و آن را اقدامی شتاب‌زده و بدون توجه به اولویت‌های واقعی کشور دانست.

مسجدجامعی به شرایط اقتصادی اشاره کرد و گفت: «جدولی که قبل از این جلسه به من نشان دادند، حکایت از افزایش ۷۶درصدی قیمت کره ۵۰ گرمی از ۲۰ فروردین تا ۲۰ دی دارد. با این گرانی‌ها و کمبود اعتبارات، آیا واقعاً امکان‌پذیر است که چنین پروژه بزرگی را عملی کنیم؟» او با یادآوری تاریخچه تهران به عنوان پایتخت، افزود: «حتی در دوره قاجار، انتخاب تهران و سرمایه‌گذاری در آن بر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مشخصی انجام شد. نخبگان علمی، هنری، معماری و سیاسی به پایتخت آمدند و این مسئله، نتیجه برنامه‌ریزی دقیق بود. اما امروز انتقال پایتخت بیشتر شبیه پاک‌کردن صورت‌مسئله است. ما با مشکلات متعددی مواجه هستیم و به‌جای حل آنها، می‌خواهیم با انتقال پایتخت وانمود کنیم که این مشکلات وجود ندارند.»

مسجدجامعی با انتقاد از سرعت در تصمیم‌گیری درباره طرح انتقال پایتخت گفت: «تنها یک هفته پس از تماس آقای محیط برای برگزاری جلسه، تصمیم‌گیری انجام شد. آیا می‌توان این‌گونه شتاب‌زده و هیجانی عمل کرد؟ مشکل اصلی کشور ما، تصمیمات مقطعی و بدون پشتوانه کارشناسی است.»

او به مشکلات توسعه صنعتی در ایران پرداخت و گفت: «ما در راسته غربی تهران مستقر شده‌اند. این یکی از بدترین تصمیم‌های توسعه‌ای بود؛ چراکه جریان هوا در تهران از غرب به شرق است و آلودگی را منتقل می‌کند. از طرفی، جنگل‌های شرق تهران و دریاچه خلیج فارس که برای بهبود کیفیت هوا ایجاد شده‌اند، در عمل بی‌اثر شده‌اند. این اقدامات، نتیجه تصمیم‌گیری‌های ناقص و غیرعلمی است.»

مسجدجامعی با مقایسه شرایط گذشته و امروز افزود: «در گذشته، انتقال جمعیت برای دفاع یا امنیت معنا داشت، مانند انتقال کردها به قوچان در دوره نادرشاه. اما امروز مردم به محل زندگی خود دل بستگی دارند و دارای شغل و خانواده هستند. چنین اقداماتی نیازمند توجه به حقوق انسانی و اجتماعی است. نمونه این بی‌توجهی را در طرح دوطبقه‌سازی منازل می‌بینیم که حتی حریم خصوصی شهروندان را نقض کرده است.»

مسجدجامعی با تأکید بر مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی فعلی کشور، طرح انتقال پایتخت را اقدامی غیرضروری و نامناسب در شرایط کنونی دانست. او گفت: «اگر گرانی، تورم، مشکلات سیاسی خارجی و داخلی، آیا واقعا وقت آن رسیده که به این مسئله بپردازیم؟ این طرح بیشتر شبیه پاک‌کردن صورت‌مسئله است تا راه‌حلی عملی و منطقی.»

مسجدجامعی با اشاره به تجربیات گذشته در وزارت فرهنگ و سازمان‌های دیگر، گفت: «جابه‌جایی نیروها به شهرستان‌ها باعث بحران‌های خانوادگی متعددی شد. دوری اعضای خانواده از یکدیگر، افزایش هزینه‌های رفت‌وآمد و تغییر شرایط زندگی، نمونه‌هایی از پیامدهای منفی این تصمیمات بود. این مشکلات در مناطقی مانند عسلویه نیز تجربه شده است. افراد، اشیا نیستند که بتوان به‌سادگی آنها را جابه‌جا کرد. باید به شخصیت، سلبقه، زندگی و شرایط خانوادگی آنها احترام گذاشت.»

او افزود: «مشکل ما تمرکزگرایی است و اگر این مسئله در تهران حل نشود، با انتقال پایتخت همین مشکلات در مکان جدید نیز تکرار خواهد شد. آیا می‌توان نسبت به سرنوشت ۱۰ تا ۲۰ میلیون نفر جمعیت تهران و شهرهای اطراف آن، بی‌تفاوت بود؟ سیاست‌های فعلی، مانند ایجاد مناطق آزاد و شهرک‌های فرودگاهی در نزدیکی تهران، نشان‌دهنده کسبوتی و تناقض در تصمیم‌گیری‌هاست.» مسجدجامعی تأکید کرد: «تهران تنها یک شهر نیست، بلکه نماد یکپارچگی ایران است. در این شهر، افراد از تمام اقوام و ادیان، بدون مشکل در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. زبان فارسی در تهران به عنوان زبان علم، عرفان و عشق تصمیم فوری قابل حل نیست.»

رهنمایی مانند شیراز، اصفهان یا سمنان منتقل شود، مشکلات فعلی تهران به این مناطق انتقال خواهد یافت و باعث آسیب به زیرساخت‌ها و زندگی مردم در این مناطق می‌شود. چنین تصمیمی بدون در نظر گرفتن پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی، تنها مشکلات را جابه‌جا می‌کند.» او درباره مطالعات گذشته گفت: «در گذشته، آب تهران از قنات‌ها تأمین می‌شد و محله‌های مختلف چندین قنات داشتند. در کتاب خاطرات بولاک، پزشک آلمانی دوره قاجار، آمده است که بیماران در تهران به دلیل آب‌وهوای خوب این شهر، زودتر بهبود می‌یافتند. آب تهران به فرانسه فرستاده شد و در آنجا اعلام کردند که از بهترین آب‌های جهان است. امروز، با تخریب محیط زیست و منابع طبیعی، کیفیت زندگی در تهران به‌شدت کاهش یافته است.» مسجدجامعی طرح انتقال پایتخت را «پاک‌کردن صورت‌مسئله» دانست و گفت: «به‌جای حل ریشه‌ای مشکلات، با انتقال پایتخت می‌خواهیم وانمود کنیم که این مسائل وجود ندارند.»

گزارش

مشاغل حقوقی در معرض خطر

شرق؛ ترور دو قاضی دیوان عالی کشور و آمار فزاینده وکلای قربانی در کشور گواه یک وضعیت شکننده است. در سال‌های اخیر، خشونت علیه وکلای دادگستری مسئله‌ای بحرانی و کنترل‌ناپذیر تبدیل شده است. وکلا به عنوان یکی از کنشگران اصلی عدالت قضائی، در معرض تهدید جدی قرار گرفته‌اند. وکلا ترجیح می‌دهند بنابه دلایلی از گزارش خشونت و تعقیب قضائی آن خودداری کنند. اما تعداد خشونت‌های منعکس‌شده در رسانه‌ها در ۱۰ سال گذشته حکایت از این دارد که بیش از ۲۰ مورد قتل و بیش از ۶۰ مورد سوءقصد نافرجام و ضرب‌وجرح شدید گزارش شده است. این خشونت‌ها شامل روش‌های متوعی مانند شلیک گلوله، ضربات چاقو، آتش سوزی عمدی و تهدیدهای مستقیم بوده است. ویژگی‌های خشونت‌ها نشان می‌دهد که این حملات محدود به منطقه جغرافیایی، جنسیت، سن یا تجربه خاصی نیستند و وکلا در همه حوزه‌ها، از دعاوی خانوادگی تا پرونده‌های کیفری، به طور بالقوه در معرض این تهدیدات قرار دارند. در پژوهش انجام‌شده از طرف کمیته وکلای در معرض خطر، وکلای ایرانی حدود دو برابر وکلای هلندی و نروژی و آمریکایی خشونت فیزیکی را تجربه کرده‌اند (۸.۵ درصد وکلای ایرانی موارد خشونت فیزیکی را اعلام کرده‌اند).

مشکل اصلی و اساسی این است که سیستم قضائی حساسیت و جدیت لازم در پیگیری شکایات و پرونده‌های مرتبط با وکلای بزه‌دیده را ندارد. برسی با وکلا با چالش‌هایی مانند بزه‌دیدگی ثانویه مواجه‌اند که در آن قربانیان خشونت، به دلیل فرایندهای ناکارآمد، دچار آسیب‌های روحی و مالی مضاعف می‌شوند. متأسفانه گزارش‌های متعددی از اظاله رسیدگی و کندی روند تحقیقاتی به کمیته واصل شده است. تصویب قوانینی مانند طرح تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار که به کاهش کیفیت و استقلال حرفه وکالت منجر شده است و بی‌توجهی به لزوم تصویب قوانین حمایتی، خود بخشی از چرخه خشونت ساختاری است. همچنین برخی اقدامات و تصمیمات از جمله دربراره انتخابات اسکودا و هیئت‌مدیره کانون‌ها، ساختار وکالتی ایران را تحت‌الشعاع قرار داده و انرژی و هزینه بسیاری را به خود اختصاص می‌دهد. سیاه‌نمایی وکلا در رسانه‌ها به عنوان ناقضان قانون و افرادی که بدون توجه به قواعد اخلاقی به دنبال منافع شخصی هستند، زمینه‌ساز بی‌اعتمادی عمومی و افزایش خشونت علیه آنان شده است. کاهش امنیت شغلی وکلا باعث کاهش انگیزه آنان برای پذیرش پرونده‌های حساس می‌شود. عدالت قضائی و حقوق شهروندی در غیاب وکلای شجاع و مستقل تضعیف می‌شود؛ آسیب‌های جسمی و روحی جدی، هزینه‌های سرسام‌آور درمان و پیگیری قانونی، بدون هیچ‌گونه حمایت مؤثر از سوی نهادهای حمایتی. در قبال این وضعیت نامطلوب، تدوین قوانین حمایتی و تشدید مجازات جرائم علیه وکلا، کارشناسان و قضات و شناسایی و رفع موانع ساختاری و فرهنگی در مسیر حمایت از وکلای قربانی باید در دستور کار قرار گیرد. افزایش آگاهی عمومی درباره نقشش وکلا به عنوان حامیان قانون و استفاده از رسانه‌های ملی برای تولید محتوای آموزشی و ترویجی بلکه نماد یکپارچگی ایران است. در این شهر، افراد از تمام اقوام و ادیان، بدون مشکل در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. زبان فارسی در تهران به عنوان زبان علم، عرفان و عشق تصمیم فوری قابل حل نیست.»

رهنمایی هشدار داد: «اگر پایتخت به شهرهایی مانند شیراز، اصفهان یا سمنان منتقل شود، مشکلات فعلی تهران به این مناطق انتقال خواهد یافت و باعث آسیب به زیرساخت‌ها و زندگی مردم در این مناطق می‌شود. چنین تصمیمی بدون در نظر گرفتن پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی، تنها مشکلات را جابه‌جا می‌کند.» او درباره مطالعات گذشته گفت: «در گذشته، آب تهران از قنات‌ها تأمین می‌شد و محله‌های مختلف چندین قنات داشتند. در کتاب خاطرات بولاک، پزشک آلمانی دوره قاجار، آمده است که بیماران در تهران به دلیل آب‌وهوای خوب این شهر، زودتر بهبود می‌یافتند. آب تهران به فرانسه فرستاده شد و در آنجا اعلام کردند که از بهترین آب‌های جهان است. امروز، با تخریب محیط زیست و منابع طبیعی، کیفیت زندگی در تهران به‌شدت کاهش یافته است.» مسجدجامعی طرح انتقال پایتخت را «پاک‌کردن صورت‌مسئله» دانست و گفت: «به‌جای حل ریشه‌ای مشکلات، با انتقال پایتخت می‌خواهیم وانمود کنیم که این مسائل وجود ندارند.»

^[1] ایلنا؛ خدمات درمانی سازمان تأمین اجتماعی، یکی از مهم‌ترین مطالبات

^[2] ایلنا؛ خدمات درمانی سازمان تأمین اجتماعی، یکی از مهم‌ترین مطالبات